



تکس: Thewhitehouse

گفت و گو با محمدرضا تخشید

رئیس پیشین دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران درباره سیاست خارجی جو بایدن

میراث دار شکست‌های پیمشی‌نیا

افکار عمومی هم به‌ویژه در میان جوانان مخالف‌های جدی نسبت به عملکرد دولت بایدن دارند. قطعاً نقد جدی به سیاست بایدن در قبال فلسطین وارد است.

برخی از منتقدان سیاست خارجی جو بایدن در آمریکا همواره انتقادی می‌کنند که دولت بایدن به جای اینکه تلاش کند در جنگ روسیه و اوکراین به کاهش تنش کمک کند، با حمایت قاطع از اوکراین به نوعی به آتش تنش‌ها افزود. تحلیل گرانی مانند جان میرشایمر می‌گویند که آمریکا برای مواجهه با ابرقدرت هم‌تراز خود، یعنی چین، باید با قدرت جهانی سوم همکاری کند و نه اینکه از طریق رویارویی با روسیه، مسکورا به دامن پکن بفرستد. نظر شما در این مورد چیست؟

نظر شخصی من در مورد جنگ اوکراین این است که یک کشور قدرتمند به کشور مستقل دیگری حمله کرده است. درست است تعداد زیادی از کشورهای پیش از این در چارچوب اتحاد جماهیر شوروی تحت سلطه مسکو قرار داشتند، اما این دلیل نمی‌شود که بعد از اینکه این کشورها مستقل شدند، مسکو هر زمان از چیزی خوشش نیامد به خاک این کشورها تعرض کند و سرزمین‌های آنها را اشغال کند. مسکو ادعا می‌کند که اروپا و آمریکا با گسترش ناتو به مرزهای روسیه نزدیک می‌شوند و قصد داشتند گر جستان و اوکراین را نیز وارد پیمان ناتو کنند و این موضوع باعث شد که روسیه تحریک شود اما این بهانه توجیهی برای این نیست که روسیه به یک کشور مستقل دیگر حمله کند و حتی ما در ابتدای جنگ دیدیم که روسیه قصد داشت اوکراین را کاملاً اشغال کند و تا محاصره کی‌یف هم پیش رفت. اروپا نگران این بود که اگر روسیه موفق شود فردا کشورهایمانند لیتوانی و لهستان هم در خطر تجاوز نظامی روسیه قرار دارند. نظر من این است که عکس‌العمل اروپا و غرب در مقابل تجاوز و اشغالگری روسیه خیلی خارج از قاعده نبود و نمی‌شد انتظار داشت که کشورهای غربی از اوکراین حمایت نکنند.

گروهی اعتقاد دارند که دولت ایالات متحده آمریکا در سه سال گذشته نتوانسته است نقش جهانی که از تک ابرقدرت انتظار می‌رفت برآورده کند. در پرونده‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سیاست خارجی آمریکا از ارائه ابتکارهای عملی و مؤثر بازمانده است، مثلاً در پرونده کره شمالی یا مناقشه اسرائیل و فلسطین به عنوان مسائل جهانی و همچنین در پرونده کوبا به عنوان یک مسئله منطقه‌ای، واشنگتن هیچ دستاورد دیپلماتیکی و مذاکره نتیجه‌بخشی نداشته است. فکر می‌کنید این بی‌عملی ناشی از ضعف دستگاه سیاست خارجی آمریکاست یا بخشی از راهبرد کلی سیاست خارجی اش؟

بعد از اشغال عراق و افغانستان توسط آمریکا در دهه اول قرن بیست و یکم سیاست جهانی به شکل کلی متحول شد. یعنی که سیاست‌های آمریکا در دهه نخست قرن بیست و یکم بر جای گذاشت و در دو دهه گذشته تخریب‌ها و کشتارهایی که در عراق و افغانستان رخ داد و بعدها اتفاق‌هایی که در سوریه افتاد، باعث شد که آمریکا و سایر قدرت‌ها تمایل کمتری به مداخله در مسائل فرامنطقه‌ای داشته باشند. در دو پرونده‌ای که اشاره کردید، یعنی کره شمالی و مسئله فلسطین، رویکرد واشنگتن منحصر به دولت بایدن نیست. در تمام طول دولت باراک اوباما هم بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۶ هیچ تحول دیپلماتیکی رخ نداد که تغییری در وضعیت کره شمالی یا اعراب و اسرائیل ایجاد کند. در دوره ترامپ البته دو سه ملاقات با کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی و رئیس‌جمهور آمریکا برگزار شد، اما این دیدارها هم نمایشی بودند و نتیجه ملموسی نداشتند. برداشت من این است که با اتفاقاتی که در دو دهه گذشته رخ داد، شرایط جهانی به شکلی پیش‌رفته است که دیگر به راحتی گذشته نیست که هر قدرتی بخواهد وارد هر معرکه‌ای بشود. یک رئیس‌جمهور آمریکا دیگر آن اراده، توان و قدرت ندارد که بتواند مثلاً بر اتفاق‌هایی که در فلسطین می‌افتد تاثیر بگذارد و اسرائیل را وادار به صلح کند. به خصوص که در همین نمونه اسرائیل شاهد هستیم که در دو دهه گذشته سیاست داخلی اسرائیل به شدت به سمت راست افراطی

دوران بایدن بسیار گرم و صمیمانه شده است و تعامل‌های دوطرفه بسیار خوب است؛ به خصوص در موضوع اوکراین، آمریکا همه‌جانبه چه از لحاظ کمک‌های مالی، چه حمایت‌های اقتصادی و سیاسی از اوکراین انجام داده و پشت اروپا ایستاده است. من می‌توانم بگویم که دولت بایدن در سه سال گذشته در اجرای شعار خود موفق بود.

اشاره کردید که رویکرد سیاست خارجی دولت جو بایدن، واکنشی بود به رویکرد دولت دونالد ترامپ. کمتر از یک سال مانده به انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا، شاهد هستیم که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور قبلی آمریکا و رقیب احتمالی بایدن در انتخابات پیش‌رو، به یکی از منتقدان اصلی سیاست خارجی بایدن تبدیل شده است و عملکرد بایدن را در سیاست خارجی فاجعه‌بار توصیف می‌کند. به خصوص با توجه به اینکه دو جنگ عمده، یعنی جنگ اوکراین و جنگ غزه در دو سال گذشته آغاز شده است که آمریکا فعالانه در هر دو جنگ از یکی از طرف‌ها حمایت می‌کند. فکر می‌کنید چگونه که ترامپ ادعا می‌کند، آیا شروع این جنگ‌ها به دلیل شکست سیاست خارجی دولت جو بایدن باشد؟

من چنین برداشتی ندارم. دونالد ترامپ شخصیتی دارد که اظهارات غیرواقعی و خلاف واقع زیاد بیان می‌کند. در واقع اگر کسی سیاست داخلی آمریکا را دنبال کند، می‌داند که درون آمریکا یک دوقطبی بسیار شدید شکل گرفته است که تا حد زیادی بی‌سابقه است. حدود یک دهه پیش، وضعیت سیاست داخلی آمریکا تا این حد دوقطبی نبود و میانجی‌ها و واسطه‌هایی در احزاب سیاسی وجود داشتند که اجازه همکاری و تعامل جناح‌های مختلف را می‌دادند. در احزاب دموکرات و جمهوری خواه سیاستمدارانی بودند که از لحاظ گرایش سیاسی میانه‌روی بودند و می‌توانستند از طریق تعامل با یکدیگر جلوی بن‌بست‌های احتمالی را بگیرند. ولی با ظهور ترامپ شرایط با گذشته تفاوت زیادی کرده است. ترامپ بدون سند و مدرک دولت را متهم می‌کند و هوادارانش هم حرف‌های او را باور می‌کنند.

واقعیت این است که هر رئیس‌جمهور دیگری هم در آمریکا روی کار بود، احتمال وقوع جنگ غزه بالا بود. اتفاقاً سیاست‌هایی که شخص دونالد ترامپ در مورد فلسطین در پیش گرفت، نقش زیادی در ایجاد وضعیت فعلی داشت. دونالد ترامپ برای نخستین بار اعلام کرد که ایالات متحده آمریکا قدس را به عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت می‌شناسد، کمک‌های کلانی به اسرائیل ارائه داد و بدون هیچ انتقادی از ساخت شهرک‌های یهودی‌نشین در کرانه باختری حمایت کرد. پیگیری و حمایت دولت ترامپ باعث شد که توافق‌های ابراهیم برای عادی‌سازی روابط برخی کشورهای عربی مانند امارات متحده عربی و بحرین با اسرائیل منعقد شود. در این توافق‌ها به شرایط مردم فلسطین توجهی نشده بود و اساساً راهکار دو کشور کاملاً در آن نادیده گرفته شده بود. حمایت‌های ترامپ از نتانیاهو، شرایطی در سرزمین‌های اشغالی و غزه ایجاد کرد که باعث شد فلسطینی‌ها کاملاً ناامید شوند و احساس به حاشیه رانده شدن پیدا کردند. وقایع ۷ اکتبر را می‌توان عکس‌العملی به سیاست‌های خاورمیانه‌ای ترامپ دانست. اعتقاد من این است که اگر ترامپ بار دیگر رئیس‌جمهور شده بود یا اینکه فرد دیگری رئیس‌جمهور بود هم احتمال زیادی وجود داشت که وقایعی شبیه به آنچه در ۷ اکتبر رخ داد و رویدادهای بعد از آن اتفاق بیافتد.

یعنی سیاست بایدن در قبال فلسطین درست بود؟

نه، من نمی‌خواهم از سیاست‌های دولت بایدن حمایت کنم. حمایت بی‌قید و شرط بایدن از حملات اسرائیل علیه غزه و همچنین پشتیبانی کامل بایدن از نتانیاهو به خصوص در هفته‌های اول جنگ غزه، جرأت زیادی به اسرائیل داد که به اقداماتی در سطح نسل‌کشی و کشتار گسترده مسلمانان و فلسطینیان دست بزند و این اقدام‌ها را تاکنون ادامه دهد. درون آمریکا هم جناح مترقی و لیبرال حزب دموکرات چه در کنگره افرادی مانند برنی سندرز و چه در رسانه‌ها نسبت به سیاست‌های بایدن در قبال جنگ غزه به شدت انتقاد کرده‌اند و



شهاب شهبوری

خبرنگار گروه دیپلماسی

۳۵ دی‌ماه با پایان سومین سال از ریاست جمهوری جو بایدن، دولت او وارد آخرین سال کاری اش در دور نخست شد. بایدن با شعار «بازگشت آمریکا» در سیاست خارجی به عنوان واکنشی به رویکرد انزواطلبانه دولت پیشین آمریکا کار خود را آغاز کرد. به رغم شعارهای دولت بایدن در ابتدای کار و انتخاب تیمی کارگرفته و با سابقه در سیاست خارجی برای هدایت دستگاه سیاست خارجی و امنیت ملی آمریکا، دولت بایدن در بسیاری از مسائل بین‌المللی در سه سال گذشته موضعی متفعلانه و بی‌عمل داشت. دولت بایدن در مسائلی مانند منازعه اسرائیل و فلسطین، پرونده کره شمالی، پرونده کوبا، کاهش تنش با روسیه و تنش‌زدایی از رابطه با چین نتوانست ابتکار عملی جدی نشان دهد و حتی در پرونده روسیه و اسرائیل شاهد آغاز دو جنگ تمام‌عیار بود که پای آمریکا تا حد زیادی به آن باز شد. محمدرضا تخشید، رئیس پیشین دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران معتقد است که ایالات متحده آمریکا بعد از آنکه در دهه اول قرن بیست و یکم در نتیجه حمله به افغانستان و عراق با مشکلات جدی مواجه شد، دیگر چندان تمایلی به سیاست‌های مداخله‌جویانه گذشته ندارد. این استاد بازنشسته دانشگاه معتقد است که در پرونده‌هایی مانند کره شمالی و اسرائیل بیش از آنکه نقش آمریکا اهمیت داشته باشد، تحولات داخلی این دولت‌ها اهمیت دارد. تخشید تاکید می‌کند که در بسیاری از مسائل سیاست خارجی، دولت جو بایدن میراث‌دار سیاست‌های مغرب دولت پیشین آمریکا بود و به همین دلیل نتوانست کار چندانی پیش ببرد. در ادامه متن کامل مصاحبه «هم‌میهن» را با محمدرضا تخشید، رئیس پیشین دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران مطالعه می‌کنید.

تبعاتی که سیاست‌های آمریکا در دهه نخست قرن بیست و یکم بر جای گذاشت، باعث شد که آمریکا و سایر قدرت‌ها تمایل کمتری به مداخله در مسائل فرامنطقه‌ای داشته باشند

سه سال پیش با روی کار آمدن جو بایدن، تیم جدید سیاست خارجی آمریکا با شعار بازگشت آمریکا به عرصه جهانی کار خود را آغاز کرد. در مجموع تا چه اندازه دستگاه سیاست خارجی دولت بایدن در رسیدن به اهداف تعیین شده خود موفق بود؟

ابتدا باید به منشأ و ریشه شعار «بازگشت آمریکا» اشاره کرد. دولت جو بایدن، بعد از یک دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ کار خود را آغاز کرد. رئیس‌جمهور پیشین آمریکا سیاستی را در پیش گرفته بود که بیشتر بر مبنای انزواگرایی و عدم مشارکت در ترتیبات امنیتی و اقتصادی دست‌جمعی استوار بود. ترامپ توجه چندانی به پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، اتحادیه اروپا، متحدان آمریکا در جنوب شرق آسیا و یا در شرق دور به ژاپن و کره جنوبی نمی‌کرد. ترامپ مرتباً از مشارکت آمریکا در تأمین امنیت متحدانش در نقاط مختلف دنیا انتقاد می‌کرد و مثلاً می‌گفت چرا آمریکا باید هزینه کند و از اروپا یا ژاپن و کره جنوبی دفاع کند و تأکید داشت که متحدان آمریکا در صورتی که خواستار حمایت و اجتناب امنیتی آمریکا هستند، باید هزینه‌های آن را به آمریکا پرداخت کنند. یا در اقدامی دیگر دولت ترامپ تلاش کرد تمامی نیروهای آمریکایی را از سوریه فرابخواند، هر چند این اقدام با مخالفت کنگره و وزیر دفاع وقت مواجه شد و نهایتاً از این تصمیم عقب‌نشینی کرد. سیاست ترامپ، خلاف سیاست کلی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم بود. آمریکا بیش از ۷ دهه گستره عملیات خود را در سراسر جهان توسعه داده بود، اما ترامپ ترجیح می‌داد که در ترتیبات امنیتی و اقتصادی دست‌جمعی مشارکت نکند و از پیمان‌های بین‌المللی کناره‌گیری کند. اجرای شعار «بازگشت آمریکا» برای دولت بایدن چندان مشکل نبود. تلاش برای بازگشت به سیاست‌های قبلی برای بایدن سخت نبود، چرا که هم‌پیمانان آمریکا در اروپا و آسیا کاملاً مشتاقانه پذیرای بازگشت آمریکا بودند. در این حوزه می‌توان گفت که سیاست خارجی دولت بایدن موفق بود، رابطه واشنگتن به سطح پیش از دولت دونالد ترامپ بازگشته است. واشنگتن با کره جنوبی و ژاپن روابط امنیتی، سیاسی و اقتصادی بدون ملاحظاتی که در دوران دونالد ترامپ داشت را بازسازی کرده است. رابطه آمریکا با اروپا در



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



برنامه آمریکا برای حمله به «اهداف منتسب به ایران» در عراق و سوریه

گزارش‌ها حاکی از این است که ایالات متحده آمریکا نقشه‌ای را برای حمله به اهداف منتسب به ایران در عراق و سوریه برای انتقام گرفتن از کشته شدن سه سربازش در حمله روز یکشنبه هفته گذشته تأیید کرده است. شبکه خبری سی‌بی‌اس نیوز روز پنجشنبه گزارش داد که کاخ سفید تصویب کرده است که پرسنل و تاسیسات ایرانی در این دو کشور در واکنش به حمله پهنپای به برج ۲۲ در مرز سوریه و اردن هدف قرار بگیرند. این گزارش جزئیات بیشتری ارائه نکرده است اما به نقل از مقام‌های بدون نام ایالات متحده آمریکا تأکید کرده است که برنامه زمان‌بندی این حملات به شکلی تعیین خواهد شد که غیرنظامیان آسیب نبینند. روز جمعه سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور اسلامی ایران گفت: «جنگی را آغاز نخواهیم کرد، اگر کشوری بخواهد قلدری کند، جمهوری اسلامی جواب محکمی به آن خواهد داد.» وی تأکید کرد: «در گذشته هرگاه می‌خواستند با ایران اسلامی سخن بگویند، مانند دیگر کشورها با زبان تهدید صحبت می‌کردند و می‌گفتند گزینه نظامی روی میز است، اکنون دیگر این حرف‌ها شنیده نمی‌شود. حتی می‌گویند قصد هیچ درگیری با جمهوری اسلامی ایران را نداریم.» رئیس‌جمهور ایران تأکید کرد: «قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران در منطقه تهدیدی برای هیچ کشوری نیست بلکه قدرت ما امنیت‌ساز است و کشورهای منطقه می‌توانند به این قدرت اتکا کنند.»

یک گروه به نام مقاومت اسلامی عراق که چتری از گروه‌های مخالف آمریکا و اسرائیل در عراق است، مسئولیت حمله به اهداف آمریکایی را بر عهده گرفته است. این نخستین بار است که نیروهای آمریکایی از زمان آغاز جنگ اسرائیل در غزه جان خود را از دست می‌دهند. در سال‌های اخیر گروه‌های همسوی ایران صدها حمله علیه پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق و سوریه انجام داده‌اند اما حملات آنها از زمان آغاز جنگ در غزه و حمایت بی‌قید و شرط آمریکا از این جنگ به‌رمغ مطالبه جهانی برای آتش‌بس، به شکل چشمگیری تشدید شده است.

گروه عراق که این حمله را انجام داده است بخشی از «محور مقاومت» محسوب می‌شود که توسط ایران در سراسر منطقه حمایت می‌شود. اما ایران تأکید می‌کند که تمامی اعضای محور مقاومت مستقلاً تصمیم‌گیری و اقدام می‌کنند و از تهران دستور نمی‌گیرند. رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا قول داده است که از این حمله انتقام بگیرد، اما بعد از گذشت پنج روز هنوز این اتفاق نیفتاده است. مقام‌های آمریکایی می‌گویند که حمله در چند روز آینده اتفاق خواهد افتاد، چندین هدف خواهد داشت و «در طول زمان استمرار پیدا می‌کند.» هم ایران و هم ایالات متحده آمریکا تأکید کرده‌اند که نمی‌خواهند بر اثر جنگ اسرائیل، تنش در منطقه گسترش پیدا کند. در حال حاضر جنگ اسرائیل در غزه باعث شده است که منازعه به مرزهای لبنان با اسرائیل و همچنین حملات حوثی‌های یمن به کشتی‌های آمریکایی و انگلیسی در دریای سرخ کشیده شود. اما حسین سلاری، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هشدار داده است که ایران به حملات ایالات متحده آمریکا واکنش نشان خواهد داد. گزارش‌هایی وجود دارد که تهران و واشنگتن از زمان حملات در مرز اردن و سوریه پیام‌هایی رد و بدل کرده‌اند و ایران به شدت نسبت به حمله در خاک خودش هشدار داده است. مقام‌های افراطی جمهوری خواه در آمریکا خواستار حمله مستقیم به ایران شده‌اند؛ موضوعی که می‌تواند باعث گسترده‌تر شدن جنگ شود. ژانویه ۲۰۲۰ ایالات متحده آمریکا ژنرال ارشد ایرانی قاسم سلیمانی را در عراق ترور کرد و ایران موشک‌هایی را به یک پایگاه آمریکایی در عراق شلیک کرد که باعث مجروح شدن تعدادی از نظامیان آمریکایی شد، اما باعث مرگ کسی نشد. مقاومت اسلامی در عراق روز چهارشنبه اعلام کرد که عملیات نظامی خود را علیه نیروهای ایالات متحده متوقف می‌کند تا پیش از این باعث سرخسختگی دولت عراق نشود. لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا گفت که واشنگتن به جای حرف‌ها به عمل‌ها توجه خواهد کرد. گروه جنبش النجبا، همسوی با ایران روز جمعه اعلام کرد که همچنان حملات به نیروهای آمریکایی در سراسر منطقه خاورمیانه را ادامه خواهد داد مگر اینکه مطالبه اصلی اش برای خروج نظامیان آمریکایی از عراق و توقف جنگ اسرائیل علیه غزه عملی شود. اوایل ماه ژانویه یک حمله هوایی اسرائیل باعث شد تا یکی از فرماندهان ارشد النجبا کشته شود.